



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ خیرالدين حفظه الله تعالى

موضوع:

۱. احکام؛ حدود و تعزیرات
۲. عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ عترت و اهل بیت پیامبر خاتم
۳. احکام؛ قصاص و دیات

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: سلمان شیرازی

تاریخ: ۱۳۹۵/۷/۲۲

آیا شما آنچه مختار در خصوص خولی انجام داد را تأیید می کنید؟ آیا رفتار مختار با دیگر شرکت کنندگان در واقعه ی کربلا را عدالت می دانید؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۵/۷/۲۵

گفته شده است که مختار بن ابی عبیده ی ثقفی (د. ۶۷ق)، دست و پای خولی بن یزید أصبحی (د. ۶۶ق) از قاتلان حسین بن علی علیهما السلام را برید و جسدش را سوزاند؛ همچنانکه برخی دیگر از جنگ کنندگان با اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در کربلا را با شیوه هایی مشابه کشت. این در حالی است که کشتن قاتل ظالم در اسلام، از یک سو بدون حکم قاضی عادل و اذن ولی مقتول جایز نیست و از سوی دیگر نمی تواند با عذابی شدید یا بریدن اعضاء بدن او باشد؛ چنانکه خداوند در کتاب خود فرموده است: ﴿وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قَتَلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا﴾؛ «و نفسی که خداوند محترم داشته است را جز به حق نکشید و هر کس مظلوم کشته شد برای ولی او سلطه ای قرار داده ایم، پس در کشتن زیاده روی نکند که او مورد حمایت است». از این رو، امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام درباره ی قاتل خود فرمود: «أَلَا لَا تَقْتُلَنَّ بِي إِلَّا قَاتِلِي انْظُرُوا إِذَا أَنَا مِتُّ مِنْ ضَرْبَتِهِ هَذِهِ فَاصْرُبُوهُ ضَرْبَةً بِضَرْبَةٍ وَلَا تَمْتَلُوا بِالرَّجُلِ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: إِيَّاكُمْ وَالْمُثْلَةَ وَلَوْ بِالْكَلْبِ الْعَقُورِ»؛ «در ازای من جز قاتلم را نکشید، بنگرید اگر من با این ضربت او مردم، پس او را یک ضربت بزنید و او را مثله نکنید؛ زیرا من از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که می فرمود: از مثله کردن پرهیزید اگرچه با سگ هار باشد».

۱. الإسرائ/ ۳۳

۲. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۱۱۴؛ الکامل فی التاریخ لابن الأثیر، ج ۳، ص ۳۹۱؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۲، ص ۱۸۵

با این حال، حق آن است که کشتن محاربان و افساد کنندگان در زمین، هرگاه مبتنی بر حکم خلیفه‌ی خداوند در زمین و پیش از توبه‌ی آنان باشد، می‌تواند با عذابی شدید یا بریدن دست و پای آنان باشد؛ چنانکه خداوند در کتاب خود فرموده است: **﴿إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ٥ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾**؛ «هرآینه جزای کسانی که با خداوند و پیامبرش ستیزه می‌جویند و در زمین به فساد می‌کوشند جز این نیست که به سختی کشته شوند یا به صلیب کشیده شوند یا دست‌ها و پاهایشان از خلاف هم بریده شود یا از زمین رانده شوند، این برایشان یک رسوایی در دنیا است و برایشان در آخرت عذابی عظیم است، مگر کسانی که پیش از دست یافتن‌تان بر آنان توبه کنند، پس بدانید که خداوند آمرزنده‌ای مهربان است». بنابراین، کشتن کسانی که در کربلا به جنگ با حسین بن علی علیه‌السلام و افساد در زمین پرداختند و سپس توبه نکردند، هرگاه مبتنی بر حکم فرزند آن حضرت علی بن الحسین علیه‌السلام بوده باشد، می‌توانسته است با عذابی شدید یا کشیدن آنان بر صلیب یا بریدن دست‌ها و پاهایشان از خلاف هم بوده باشد؛ چنانکه محمد بن ابراهیم شیرازی ما را خبر داد، گفت:

«قُلْتُ لِلْمَنْصُورِ: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ لَيْسَ الرَّجْمُ فِي كِتَابِ اللَّهِ! قَالَ: كَذَبُوا، أَمَا يَقْرَأُونَ قَوْلَهُ تَعَالَى: ﴿إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا﴾؟^۱ قُلْتُ: بَلَى، قَالَ: إِنَّ رَجْمَهُمْ مِنَ التَّقْذِيلِ وَتَحْرِيقَهُمْ بِالنَّارِ مِنَ التَّقْذِيلِ وَهَدْمُ الْجِدَارِ عَلَيْهِمْ مِنَ التَّقْذِيلِ وَقَدْ فَدَّاهُمْ مِنَ الْجَبَلِ مِنَ التَّقْذِيلِ وَقَدْ بَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فِي آثَارِهِمْ فَأَخَذَهُمْ وَقَطَّعَ أَيْدِيَهُمْ وَأَرْجُلَهُمْ مِنْ خِلَافٍ وَسَمَلَ أَعْيُنَهُمْ ثُمَّ تَرَكَهُمْ فِي الْحَرَّةِ يَقْضِمُونَ الْحَجَرَ حَتَّى يَهْلِكُوا»^۲؛ «به منصور گفتم: آن‌ها می‌گویند که رجم در کتاب خداوند نیست! فرمود: دروغ می‌گویند، آیا سخن خداوند بلندمرتبه را نمی‌خوانند که فرموده است: > جزای کسانی که با خداوند و پیامبرش ستیزه می‌جویند و در زمین به فساد می‌کوشند جز این نیست که به سختی کشته شوند؟^۱ گفتم: آری، فرمود: هرآینه رجم کردن آنان، کشتن (آنان) به سختی است و سوزاندن آنان با آتش، کشتن (آنان) به سختی است و ویران کردن دیوار بر روی آنان، کشتن (آنان) به سختی است و پرت کردن آنان از کوه، کشتن (آنان) به سختی است و هرآینه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در پی آنان فرستاد، پس آنان را گرفت و دست‌ها و پاهایشان را از خلاف یکدیگر برید و چشم‌هایشان را درآورد، سپس آنان را در آفتاب رها کرد که سنگ‌ها را بچوند تا اینکه هلاک شوند».

۱. المائدة/ ۳۳ و ۳۴

۲. المائدة/ ۳۳

۳. گفتار ۶۱

همچنانکه روایت شده است حسن بن علی علیهما السلام جسد ابن ملجم را پس از کشتنش با یک ضربت، آتش زد^۱. با این وصف، کار مختار تنها در صورتی قابل توجیه است که با حکم علی بن الحسین علیهما السلام بوده باشد، در حالی که به نظر می‌رسد با حکم آن حضرت نبوده، بل با حکم عموی آن حضرت محمد بن حنفیه بوده که بسیار بیشتر از آن حضرت مورد توجه و رجوع مختار بوده است، هر چند حکم محمد بن حنفیه نیز ثابت نیست و سخن رسیده از او در این باره بسیار کلی و مجمل است^۲ و با این وصف، می‌توان گفت که کار مختار در مجموع خودسرانه و ناشی از احساسات مذهبی یا انگیزه‌های سیاسی بوده، هر چند طبیعتاً مرگ دشمنان اهل بیت باعث خوشحالی آنان و خشم وابستگان به بنی امیه شده است. آری، کارهایی مانند ویران کردن خانه‌های محاربین و مفسدین بر سر خانواده‌هاشان نیز به او نسبت داده شده^۳ که اگر ثابت باشد، مطلقاً وجهی نداشته است؛ زیرا در اسلام کسی گناه دیگری را بر دوش نمی‌گیرد؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ﴾^۴ و این قطع نظر از عقاید اوست که متناقض و آمیزه‌ای از حق و باطل بوده؛ همچنانکه بیعت و تعاون او با عبد الله بن زبیر (د. ۷۳ق) در تضاد آشکار با مبانی اسلام و منهج اهل بیت قرار داشته است.



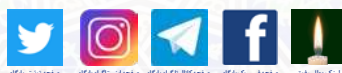
پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصورهاشمی خراسانی
مجلس با حکم و تأیید مقام معظم رهبری



۱. نگاه کنید به: تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۱۱۴؛ مقاتل الطالبیین لأبي الفرج الأصفهانی، ص ۲۶؛ الإرشاد للمفید، ج ۱، ص ۲۲؛ تجارب الأمم لابن مسکویه، ج ۱، ص ۵۶۷.
۲. نگاه کنید به: الطبقات الکبری لابن سعد، ج ۵، ص ۹۹؛ أنساب الأشراف للبلاذری، ج ۶، ص ۳۸۴؛ مروج الذهب للمسعودی، ج ۳، ص ۷۴؛ تاریخ مدینه دمشق لابن عساکر، ج ۵۴، ص ۳۴۲؛ تاریخ الإسلام للذهبی، ج ۵، ص ۵۱.
۳. رجال الکشي، ج ۱، ص ۳۴۲.
۴. فاطر / ۱۸.

www.alkhorasani.com

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصورهاشمی خراسانی حفظه الله تعالى



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.